

حکمرانی خوب و حق الضرب در ایران

علی رشید شمخال^۱، کامبیز پیکار جو^{۲*}، بیت الله اکبری مقدم^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استادیار، گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (عهده‌دار مکاتبات)

^۳ دانشیار، گروه اقتصاد، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳

چکیده

برخورداری دولت از حق الضرب، علاوه بر اهمیت داشتن از جنبه حاکمیتی، از حیث اقتصادی نیز برای دولت جایگاه ویژه‌ای ایجاد می‌کند. قدرتی که دولت به واسطه برخورداری از حق الضرب به دست می‌آورد، می‌تواند با استقلال بانک مرکزی و یا از طریق نهادهای اجتماعی بر مبنای حکمرانی خوب، مدیریت شود. این پژوهش، در قالب یک مدل خود رگرسیونی برداری ساختاری به بررسی رابطه بین حکمرانی خوب و حق الضرب در ایران در سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۰ پرداخته است. در این مطالعه، رابطه معکوس بین بهبود شاخص حکمرانی خوب و حق الضرب با احتیاط مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد اثر شوک‌های حکمرانی خوب، به عنوان یک عامل نهادی بر حق الضرب، ماندگار بوده و تا پانزده فصل باقی می‌ماند. با بررسی تحلیل واریانس، مشاهده شد بیشتر تغییرات حق الضرب توسط خود متغیر توضیح داده شده است. در بین متغیرهای توضیحی، رشد درآمدهای نفتی ۶/۱۵ درصد تغییرات را در اولین فصل توضیح داده که نشان‌دهنده سرعت اثر آن بر تصمیمات دولت است.

واژه‌های اصلی: حق الضرب، حکمرانی خوب، مدل خود رگرسیونی، برداری ساختاری (SVAR)

ارتباط میان متغیرهای اصلی تحقیق بررسی می‌شود، آنگاه پیشینه تحقیقات در مورد حق الضرب و حکمرانی خوب بررسی می‌شود. پس از آن به معرفی مدل و تعاریف عملیاتی متغیرها و روش تخمین پرداخته شده و در ادامه به تحلیل نتایج تجربی توجه شده است. در پایان نیز به نتیجه‌گیری آورده شده است.

۲- شاخص‌های حکمرانی خوب و حق الضرب در ایران

حکمرانی خوب: حکمرانی خوب بر اساس شش شاخص توسط بانک جهانی برای هر یک از کشورها به طور سالانه مورد سنجش قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها که شاخص‌های حکمرانی خوب شناخته می‌شوند، عبارت‌اند از: (۱) پاسخگویی و حق اظهارنظر (VA)^(۲) ثبات سیاسی و نبود خشونت/ تروریسم (PV)^(۳) اثر بخشی دولت (GE)^(۴) کیفیت تنظیم‌کنندگی (RQ)^(۵) حاکمیت قانون (RL)^(۶) مهار فساد (CC)^(۷) چنانکه در نمودار ملاحظه می‌شود بین سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بیشتر شاخصها نزولی هستند. همینطور از سال ۱۳۹۵ روند

۱- مقدمه

اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر با بحران‌های مختلفی در عرصه‌های بین‌المللی و داخلی مواجه بوده، از تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی گرفته تا خشکسالی‌های مکرر، همه‌گیری کرونا و بی‌انضباطی مالی دولتها و کسری بودجه مزمن، نتیجه این شرایط تداوم تورم و کاهش رشد اقتصادی بوده است. شدت یافتن روند تورم در سال‌های اخیر باعث شده تحقیقات مختلفی در مورد شناسایی علل و روش‌های پیشگیری از تداوم آن، انجام شود. یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی (استفاده از حق الضرب) و در نتیجه بسط پایه پولی و افزایش بی‌رویه عرضه پول می‌باشد. تحقیقات پیشین در بررسی عوامل مؤثر بر حق الضرب توجه خود را بیشتر به متغیرهای اقتصادی معطوف نموده‌اند. این تحقیق با توجه به آثار عمیقی که حکمرانی خوب در جامعه و اداره امور آن، بر جای می‌گذارد، به دنبال آن است تا اثر آن را بر موضوع پر اهمیت استفاده دولت از حق الضرب در قالب یک مدل خود رگرسیونی برداری ساختاری (SVAR) برای سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۰ را بررسی کند. سوال و فرضیه اصلی چگونگی اثر گذاری شاخص حکمرانی خوب بر استفاده دولت از حق الضرب می‌باشد. ساختار مقاله به شرح زیر است: نخست به بررسی میزان حق الضرب و شاخص‌های حکمرانی خوب در کشور پرداخته می‌شود. سپس مبانی نظری در مورد

¹ Voice and Accountability: VA

² Political Stability and Absence of Violence/ Terrorism: PV

³ Government Effectiveness: GE

⁴ Regulatory Quality: RQ

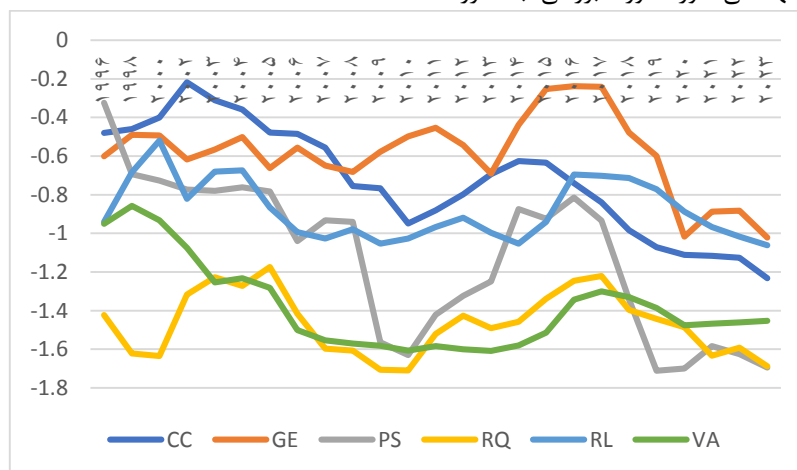
⁵ Rule of Law: RL

⁶ Control of Corruption: CC

چشمگیری از مابقی شاخص ها کمتر است. پس از آنها مقدار شاخص ثبات سیاسی در ایران با میانگین ۱- و مجموع ۲۸- کمترین مقدار را نشان می دهد.

نزولی مجدداً آغاز گردیده است. می دانیم این شاخص ها می توانند مقادیری بین ۲,۵ تا ۲,۵- را اختیار کنند.

جدول (۱) نشان می دهد که از بین شاخص های حکمرانی در ایران، کیفیت تنظیم کنندگی و پاسخگویی و حق اظهار نظر کمترین مقادیر را داشته اند و جمع مقادیر آنها طی دوره مورد بررسی به طرز



شکل (۱): روند شاخص های حکمرانی خوب در ایران

جدول (۱): آمار توصیفی شاخص های حکمرانی خوب در ایران (۱۹۹۶-۲۰۲۳)

معیار	پاسخگویی و حق اظهار نظر (VA)	ثبات سیاسی و نبود خشونت / تروریسم (PV)	کیفیت تنظیم کنندگی (RQ)	حاکمیت قانون (RL)	اثر بخشی دولت (GE)	کنترل فساد (CC)
میانگین	-1.380074	-1.126026	-1.465876	-0.722865	-0.585394	-0.722865
میانه	-1.460602	-0.939875	-1.457489	-0.739871	-0.565393	-0.739871
بیشینه	-0.8576	-0.324624	-1.174626	-0.21806	-0.237506	-0.21806
کمینه	-1.608522	-1.711534	-1.709233	-1.23189	-1.022397	-1.23189
انحراف معیار	0.224475	0.402568	0.163585	0.286254	0.206642	0.286254
جمع	-34.50184882	-28.15064132	-21.95712751	-36.64691126	-14.6348411	-18.0716169

منبع: بانک جهانی [۵۰] و محاسبات تحقیق

شکل (۲) نشان می دهد طی دوره ۹۴ تا ۹۸ استفاده از حق الضرب محدودتر شده و نوسان کمتری نیز از خود نشان داده است. معمولاً در پایان سالها و طی فصل چهارم که نیاز دولت به انجام پرداخت های مختلف از جمله پاداش عیدی و تسویه پیمان های پیمانکاران بیشتر می شود، معمولاً میزان استفاده از حق الضرب نیز افزایش یافته است.

جدول (۲): حق الظرب در ایران (درصد)

میانگین	2.017
انحراف معیار	3.054
بیشینه	11.44
کمینه	-5.13

منبع: محاسبات تحقیق

براساس جدول (۱) به طور متوسط استفاده دولت از حق الضرب برابر ۲ درصد تولید ناخالص داخلی در هر فصل بوده است. بیشینه، کمینه و انحراف معیار حق الضرب نشان دهنده نوسان بالای این متغیر می باشد.

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱ مایانی نظری

مدیریت پولی و نقش حاکمیتی آن در کشورها تا جایی اهمیت یافته که گاهی، از بانک مرکزی به عنوان رکن چهارم حاکمیت یاد می شود. ریشه این دیدگاه علاوه بر نقش بسیار مهم عملکرد سیستم پولی و مالی در اقتصاد، در این باور اصلی نهفته که پول نماد مشخصی از حاکمیت است و ناتوانی دولت در مدیریت پولی موجب کاهش در قدرت حکومت هاست. حکمرانی خوب به عنوان یک عامل نهادی، ضمن استحکام ساختار اداره جامعه، از مبادی مختلفی بر مدیریت پولی در اقتصاد، تأثیر گذار است. بانک مرکزی برای انجام وظایف خود نیاز به استقلال در جنبه های مختلف دارد که حکمرانی خوب می تواند زمینه ساز این استقلال باشد. اینکه استقلال بانک مرکزی به چه معناست و حدود آن چگونه تعیین می شود با توجه به شرایط و ساختارهای مختلف موجود در یک اقتصاد، تعریف می گردد. اما در صورت ضعف در استقلال بانک مرکزی، یکی از اموری که بی شک می تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد، میزان استفاده دولت ها از حق الضرب است. براساس آنچه از مطالعات پیشین برمی آید، اینکه دولت ها در چه شرایطی و تحت تأثیر چه عواملی به استفاده از حق الضرب برای تأمین مالی متوسل می شوند سه دیدگاه متفاوت زیر، از هم متمایز می گردد: (۱) نظریه بیشینه سازی درآمد دولت (۲) رهیافت مالیات بندی بهینه (۳) سلطه مالی^۵ هرچند که از بعد اقتصادی با توجه به نوسانات قیمت نفت، انتظار می رود در ایران نظریه تسلط مالی برقرار باشد اما در این مطالعه، با توجه به تحقیقات اخیر و شناسایی اهمیت و اثر عوامل نهادی مهمی مانند حکمرانی خوب بر تصمیمات اقتصادی دولت ها، سعی شده ارتباط میان این متغیرها در قالب یک مدل خود رگرسیون برداری بررسی شود. اگر ساختارهای

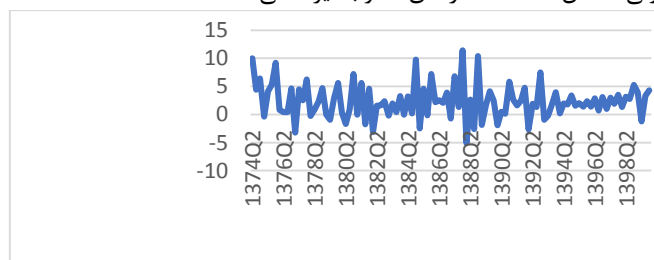
حق الضرب: در مطالعات مختلف تعاریف متفاوتی از حق الضرب ارائه شده است که به موارد زیر تقسیم می شوند، دسته های اصلی: (۱) انتقال ثروت از بخش خصوصی به بخش دولتی در نتیجه افزایش پایه پولی، و (۲) تعاریف انجام شده با تأکید بر «درآمد مستقیم بانک مرکزی». دسته اصلی اول که با «انتقال ثروت از بخش خصوصی به بخش دولتی» مرتبط با افزایش پایه پولی تعریف می شود سه نوع حق الضرب را از یکدیگر متمایز می کند: «رویکرد هزینه فرصت»، «رویکرد پولی» و «مالیات تورمی بر اساس پول». در اینجا با توجه به تنوع تعاریف ارائه شده و تغییرات جدی در پایه پولی در ایران و اختصار مقاله دو تعریفی که در بیشتر تحقیقات پیشین برای مورد ایران استفاده شده اند ارائه می شود. اگر i_t نرخ بهره اسمی در دوره t باشد، پایه پولی M_t ، قیمت کالاها را با P_t نشان دهیم و تولید ناخالص داخلی واقعی Y_t باشد، سپس هزینه فرصت حق الضرب ($S_{1,t}$)، به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی به شرح زیر تبیین می شود:

$$S_{1,t} = i_{t-1} \frac{M_{t-1}}{P_t Y_t} \quad (1)$$

نوع «رویکرد پولی» همان طور که در مطالعات قبلی مارتی^۲ (۱۹۶۷) [۳۷]، و فریدمن^۳ (۱۹۷۱) [۲۸] و دیگران بحث شده است، حق الضرب را برابر افزایش در پایه پولی در نظر می گیرد. این دیدگاه به طور مستقیم انتشار پول را به عنوان حق الضرب در نظر می گیرد و آن را «حق الضرب پولی» می نامد. حق الضرب پولی ($S_{2,t}$) در منابعی مانند رومر^۴ (۲۰۱۱) [۴۴] و مقالات دیگر اقتصاددانان مکرراً به صورت درصدی از GDP ذکر شده است لذا در تحلیل تجربی این تحقیق از این تعریف استفاده شده است.

$$S_{2,t} = \frac{\Delta M_t}{P_t Y_t} = \frac{M_t - M_{t-1}}{P_t Y_t} \quad (2)$$

در شکل (۱) و جدول (۱) میزان حق الضرب و مشخصه های آن را در ایران در دوره ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۰ ملاحظه می کنیم. در دوره هایی که پایه پولی کاهش داشته مقدار حق الضرب نیز منفی شده است.



شکل (۲): حق الضرب در ایران

۱- برای محاسبه حق الضرب بسیاری از مطالعات قبلی از ارزش اسمی کالاها و خدمات تولید شده در جامعه استفاده کرده اند از

جمله [24] (۲۰۰۷) Buiter و دیگران نیز با استفاده از تولید ناخالص داخلی سهم حق الضرب را تعیین نموده اند. در این مقاله

نیز تولید ناخالص داخلی اسمی به عنوان مخرج کسر مورد استفاده قرار گرفته است.

² Marty

³ Friedman

⁴ Romer

۱- برای مطالعه بیشتر به مقاله جعفری صمیمی و رشید شمخال (۱۳۷۵) [5] مراجعه

شود.

نهادی کارآمد منجر به شاخص‌های حکمرانی خوب در سطح بالاتر شود، در نتیجه استفاده بیش‌ازحد از حق‌الضرب به شیوه‌های مختلف کاهش می‌یابد. در واقع تأمین مالی تورمی زمانی اتفاق می‌افتد که دولت نیاز داشته باشد، بخواهد و بتواند از این روش استفاده کند. برقراری حکمرانی خوب با توجه به آثار مثبتی که در سیستم درآمدی دولت به‌ویژه مالیات ستانی دارد، نیاز دولت را به استفاده از حق‌الضرب کاهش می‌دهد. ر ایران که درآمدهای نفتی نیز در اختیار دولت قرار دارد حکمرانی خوب می‌تواند بر مدیریت این درآمدها اثر بگذارد. درآمدهای نفتی دو اثر بر تصمیمات دولت دارد: یک اثر درآمدی و یک اثر پولی، یعنی از نظر درآمدی به درآمدهای در اختیار دولت می‌افزاید و از نظر پولی می‌تواند به منابع پایه پولی اضافه نماید. البته تا زمانی که معادل پول داخلی را از بانک مرکزی دریافت ننموده و وارد اقتصاد داخلی نکرده است، منجر به تغییر پایه پولی و آثار تورمی نمی‌شود. در کشورهایی که از نهاد های اجتماعی فعال و موثر بهرمنداند، در نتیجه ی حکمرانی بهتر، دولت ها با نظم بیشتری از درآمدهای نفتی استفاده می‌کنند و در بسیاری مواقع در قالب صندوق های سرمایه گذاری، افزایش ثروت کشور را دنبال می‌نمایند. بنابراین اثر درآمدهای نفتی بر حق‌الضرب در ایران از برآیند دو اثر فوق تعیین می‌شود که در ادامه مقاله به تحلیل نتایج تجربی در این زمینه نیز پرداخته می‌شود. از سوی دیگر حکمرانی خوب و کارآمدی دولت موجب کاهش هزینه‌های دولتی می‌شود که این موضوع نیز، نیاز به تأمین مالی تورمی و استفاده از حق‌الضرب را کاهش می‌دهد. حکمرانی خوب با توجه به عواملی مانند پاسخگویی، هزینه‌های سیاسی دولت برای استفاده از حق‌الضرب را بالا می‌برد و تمایل او برای استفاده از تأمین مالی تورمی کاهش می‌یابد. در ادامه این قسمت به بررسی مکانیسم اثر پارامترهای حکمرانی خوب بر حق‌الضرب می‌پردازیم: کنترل فساد از یک‌سو موجب بالا رفتن درآمدهای مالیاتی می‌شود و از سوی دیگر باعث کنترل و کاهش هزینه‌های دولت می‌گردد، در نتیجه نیاز دولت به استفاده غیرمعارف از حق‌الضرب را کاهش خواهد داد. اثربخشی دولت به‌عنوان یک پارامتر مهم دیگر در سنجش حکمرانی خوب مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص کیفیت خدمات عمومی خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و هرچه سیاست گذاری های عمومی به دور از زد و بندهای سیاسی و فشار گروه‌های همسود، وضع و اجرا شوند و نظام سیاسی در قبال آن‌ها تعهد بیشتری نشان می‌دهد و وضعیت حکمرانی بهتر است. چنانچه حکمرانی بر اساس این شاخص بهبود یابد موجب رضایت بیشتر شهروندان و مشارکت بیشتر در پرداخت مالیات خواهد شد و نیاز دولت به استفاده بیشتر از حق‌الضرب را کاهش خواهد داد. از سوی دیگر عدم اعمال منافع گروه‌های خاص در خط‌مشی‌های عمومی نیز ضمن کاهش

هزینه‌های اضافی در سیستم دولتی باعث افزایش اعتماد به دولت و بهبود درآمدهای مالیاتی، کاهش کسری بودجه و نیاز کمتر دولت به استفاده بیش‌ازحد از حق‌الضرب می‌گردد. بنابراین انتظار می‌رود تغییر مثبت در اثربخشی دولت موجب کاهش استفاده از حق‌الضرب شود. حاکمیت قانون به کیفیت اجرای قراردادهای، عملکرد پلیس و محاکم قضایی همچنین میزان احتمال جنگ و خشونت در یک جامعه توجه می‌کند؛ بنابراین اگر حکمرانی خوب بر اساس این شاخص بهبود یابد، انتظار می‌رود با بهبود این نوع خدمات زیربنایی برای کسب و کارها، رونق بیشتری حاصل شده و امکان کسب درآمدهای مالیاتی بیشتر شود. در نتیجه نیاز به استفاده بیشتر از حد از حق‌الضرب، کاهش پیدا کند. منظور از کیفیت تنظیم‌کنندگی در حکمرانی خوب، عملکرد و تنظیم فعالیت های دولت برای نفوذ بیشتر و دامنه گسترده‌تر فعالیت‌های بخش خصوصی می‌باشد. بدیهی است انتظار داریم چنانچه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها موجب گسترش بیشتر فعالیت بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن در اداره امور جامعه شود منابع بیشتری برای اخذ مالیات خواهد داشت و نیاز به استفاده بیش‌ازحد از حق‌الضرب کاهش خواهد یافت. ثبات سیاسی یا نبود خشونت و تروریسم: هرچه یک دولت کمتر، در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد و هرچه از راه‌های سالم و قانونی یا ابزارهای غیرخسوسنت‌آمیز کشور را اداره کند، حکمرانی در آن بهتر خواهد بود. در چنین شرایطی نیاز دولت به استفاده بیش‌ازحد از حق‌الضرب کمتر است. چون، هزینه‌های لازم برای مقابله با این بی‌ثباتی‌ها کمتر بوده و توان کسب درآمدهای مالیاتی بیشتر می‌گردد. بنابراین انتظار می‌رود که تغییر مثبت در این شاخص، استفاده از حق‌الضرب را کاهش دهد. پاسخگویی و حق اظهارنظر این شاخص میزان مشارکت شهروندان در تصمیم سازی های سیاسی مانند انتخاب دولت و نظام سیاسی در هر کشور را نشان می‌دهد. آزادی بیان، آزادی احزاب، تشکلهای، اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی معیارهایی هستند که این شاخص بر اساس آن‌ها محاسبه می‌شود. بدیهی است بهبود در حکمرانی خوب بر پایه این شاخص، میزان اعتماد و همراهی عمومی با دولت را افزایش می‌دهد. انتظار می‌رود با ارتقای پاسخگویی، درآمدهای مالیاتی بهبود یافته، هزینه‌های دولت تحت کنترل نهادهای عمومی امکان گسترش بی‌رویه نداشته باشد و در نتیجه نیاز دولت به استفاده از حق‌الضرب کاهش پیدا کند.

۲-۳ پیشینه تجربی

نخست به برخی از تحقیقات انجام شده اخیر در ارتباط با حق‌الضرب می‌پردازیم، سپس به ادبیات مرتبط با حکمرانی خوب اشاره می‌کنیم. به جهت اختصار و قابلیت مقایسه، خلاصه مطالعات انجام شده در قالب جدول ارائه شده است.

۱-۲-۳ حق‌الضرب

۱-۲-۳-۱ مطالعات داخلی در مورد حق‌الضرب

۲- چنانکه میلز و یوسفی (۲۰۱۴) [40] اشاره کرده‌اند بر اساس یافته تجربی برای ۱۶ کشور و مدل‌سازی‌های مختلف برای فساد دولت‌ها انگیزه دارند تا برای جبران اثرات فساد از حق‌الضرب سوء استفاده کنند.

۳-۲-۱-۲ مطالعات خارجی در مورد حق الضرب

جدول (۳): مطالعات داخلی در مورد حق الضرب

ردیف	محقق	سال	یافته ها
۱	جعفری صمیمی و رشید شمنخال [۵]	۱۳۷۶	با افزایش درآمد سرانه مالیات تورمی در کشور افزایش یافته و مخارج دولت با مالیات تورمی ارتباط مستقیم دارد.
۲	وطن پور [۱۶]	۱۳۸۰	به بررسی آثار تغییرات ساختار تولید اقتصاد بر مالیات تورمی و همچنین بررسی اثر مالیات تورمی، بر مصرف بخش خصوصی پرداخته است. نتایج کار او نشان می‌دهد که بخش صنعت و معدن بیشترین و بخش نفت کمترین تأثیرگذاری را بر مالیات تورمی دارد.
۳	عسگری [۹]	۱۳۸۴	اصلاح سیاست های مالی و پولی، تغییر در نظام سیاسی کشور و افزایش استقلال بانک مرکزی از جمله راه حل هایی است که می تواند به مدیریت بهتر مالیات تورمی کمک کند. همچنین، درک عوامل متغیری که بر این مشکل تأثیر می گذارند، می تواند به تدابیری برای مدیریت بهتر این موضوع منجر شود.
۴	ورشوساز و همکاران [۱۷]	۱۳۹۹	با افزایش تقاضا برای رمزارزها، تقاضای پول رسمی کاهش یافته و به تبع آن درآمد ناشی از حق الضرب کاهش می یابد.
۵	قدیمی و همکاران [۱۰]	۱۳۹۹	از یک سو با افزایش درجه استقلال بانک مرکزی رشد حجم پول کاهش می یابد و از سوی دیگر سلطه مالی، ضریب سیاست پولی بهینه را کوچکتر می کند و بیشترین قدرت تثبیت کنندگی سیاست بهینه پولی در حالت استقلال کامل سیاست پولی رخ می دهد.
۶	تقی نژاد عمران و همکاران [۴]	۱۴۰۱	برای کشورهای منتخب OECD و هشت کشور اسلامی در حال توسعه متغیر سیاسی حق اظهار نظر و پاسخگویی با کاستن اندازه اتکای دولت به درآمد حق الضرب می تواند زمینه بهبودی توزیع درآمد در این کشورها را مهیا سازد، همچنین بهبود در حق اظهار نظر مردم و پاسخگویی دولت با تقویت رشد اقتصادی باعث بهبود در توزیع درآمد می گردد.

ماخذ: مروری بر مطالعات انجام شده داخلی

۳-۲-۱-۳ مطالعات خارجی در مورد حق الضرب

جدول (۴): مطالعات خارجی در مورد حق الضرب

ردیف	محقق	سال	یافته ها
۱	هوانگ و وی [۳۰]	2006	کیفیت نهادی در یک اقتصاد بر میزان محافظه کاری بانک مرکزی تأثیر می گذارد و هزینه جمع آوری مالیات در کشورهایی با کیفیت نهادی ضعیف تر بالاتر خواهد بود. بنابراین، دولت ها تمایل بیشتری به افزایش حق الضرب خواهند داشت تا جمع آوری مالیات با هزینه بالاتر.
۲	مینیا و ویلیو [۳۹]	2009	هدف گذاری تورم باعث کارکرد بهتر عوامل نهادی می شود و در کشورهایی که نهادها از عمق و کارکرد بهتری بهر مند اند تامین مالی تورمی و ایجاد تورم سطح پایین تری دارد. در نتیجه، کیفیت نهادها در جامعه یک عامل تأثیر گذار بر رفتار دولت در تأمین مالی تورمی است.
۳	لیدیا [۳۶]	۲۰۱۲	این تحقیق به بررسی تعیین کننده های اقتصادی و سیاسی حق الضرب در نیجریه پرداخته نتایج او نشان داده علیرغم معنی دار نبودن اثرات متغیرهای اقتصادی در آن کشور، بی ثباتی سیاسی یک عامل مهم در استفاده دولت از حق الضرب است. این نتیجه نیز لزوم توجه به عوامل نهادی را تأیید می کند.

¹ Huang & Wei² Minea & Villieu³ Aina Abiola Lydia

۴	هانگ [۳۱]	۲۰۲۱	مقاله تحلیل می‌کند که چگونه فرآیندهای معاملاتی و انتقال پول از طریق کانال حق‌الضرب، یعنی درآمد ناشی از خلق پول توسط دولت، می‌تواند بر اثربخشی سیاستهای پولی تأثیر بگذارد و نشان می‌دهد که در اقتصاد با قیمت‌های انعطاف‌پذیر، کانال حق‌الضرب می‌تواند نقش مهمی در انتقال اثرات سیاست پولی ایفا کند و این اثرگذاری از طریق تغییرات در نقدینگی و جریانهای معاملاتی به اقتصاد می‌رسد. نویسنده با مدلسازی تعاملی بین فرآیند معاملات و تحولات پولی، دریافت که حق‌الضرب باعث تقویت یا تضعیف اثر سیاستهای پولی می‌شود و این امر بستگی به نحوه مدیریت و اجرای سیاستهای مالی و پولی دارد. همچنین مقاله به بررسی ویژگی‌هایی مانند واکنش پذیری نظام پولی به تغییرات قیمت و آثار آن بر گذردهی سیاستهای پولی می‌پردازد که در نهایت نقش کلیدی کانال حق‌الضرب را در انعطاف پذیری اقتصادی برجسته می‌سازد.
۵	بوسن [۲۲]	۲۰۲۱	این مقاله نقش بنیادین بانکهای تجاری در خلق پول و درآمدهای ناشی از آن و اثرات آن بر توزیع منابع و قیمت‌ها در اقتصاد کلان را با رویکردی نوین و سیاست محور بررسی کرده است
۶	محمد دهنون و بشار [۴۱]	۲۰۲۱	فساد باعث تغییر ترکیب مالیه عمومی به سمت حق‌الضرب و در نتیجه کاهش رشد می‌شود.
۷	آواد [۲۱]	۲۰۲۳	در مطالعه خود برای کشورهای مصر و قطر، دریافت که تأثیر حق‌الضرب پولی بر تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده و رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در مورد مصر ضعیف و ناچیز است.
۸	سینگ ^۵ و همکاران [۴۶]	۲۰۲۴	نوآوری سریع فناوری در سیستم‌های پرداخت - چه دولتی و چه خصوصی - حاکی از کاهش تقاضا برای پول (به‌ویژه پایه پولی) است. ما نتیجه می‌گیریم که کشورهای بازارهای نوظهور و کشورهای کم‌درآمد ممکن است مجبور شوند انتظارات خود را از درآمد حق‌الضرب در آینده نزدیک کاهش دهند، زیرا ارز در گردش ممکن است در عصر دیجیتال کاهش یابد.
۹	نودا و فنگ [۴۲]	۲۰۲۵	اگر دولت نرخ رشد پولی را انتخاب کند که نرخ رشد بلندمدت تولید ناخالص داخلی (GDP) را به حداکثر برساند، کشش نرخ رشد پولی نسبت به نسبت سرمایه خصوصی-عمومی باید معکوس کشش سرمایه خصوصی نسبت به GDP باشد، که بزرگ‌تر از ۱ است. بنابراین، حق‌الضرب به خودی خود عامل رکود اقتصادی در برخی کشورهای آفریقای سفلی نیست.
۱۰	رودریگز [۴۳]	۲۰۲۵	به یک وضعیت نامتوازن در نظام پولی بین‌المللی می‌پردازد که بر اساس آن دو عرضه‌کننده اصلی ارزهای بین‌المللی یعنی ایالات متحده و اروپا، با کنترل تقریباً ۷۹ درصد ذخایر جهانی و ۹۱ درصد فاکتورهای تجاری دنیا، یک دوگانگی انحصاری در ارائه نقدینگی جهانی ایجاد کرده‌اند. این وضعیت به این دو قدرت اجازه می‌دهد که بخش عمده سودهای ناشی از اعطای نقدینگی جهانی یعنی حق‌الضرب جهانی را به خود اختصاص دهند، در حالی که کشورهای در حال توسعه از دستیابی به این منابع مالی محروم می‌مانند و رشد اقتصادی آنها محدود می‌شود. همچنین این حالت موجب کاهش کارایی سیاستهای مقابله با نوسانات اقتصادی جهانی (سیاستهای مقابله‌ای) شده و فضای مالی کشورهای توسعه‌یافته را در بکارگیری ابزارهای کلان اقتصادی افزایش می‌دهد.

ماخذ: مروری بر مطالعات انجام شده خارجی

⁴ Huang, Guangming

⁵ Bossone, B.

⁶ Mohammed Dhannoon Mohammed, Bashar Ahmed Al-Iraqi

⁷ Awad Ibrahim L

⁸ Singh, Manmohan and Abouelmakarem, Mahmoud and Bhargava

¹ Noda, Hideo and Fang, Fengqi

² Rodríguez Francisco

۳-۲-۲ حکمرانی خوب

ادبیات اقتصادی در حوزه حکمرانی خوب چندان گسترده نیست با این حال در پاره ای از تحقیقات تأثیرات حکمرانی خوب بر متغیرهای اقتصادی بررسی شده است. بسیاری از آنها به بررسی رابطه حکمرانی

خوب و رشد اقتصادی و شاخص‌های توسعه پرداخته‌اند این موضوع نشان می‌دهد که حکمرانی خوب به‌عنوان کلیدی برای حل معمای توسعه و رشد اقتصادی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. پاره‌ای از تحقیقات نیز بر رابطه حکمرانی خوب و کاهش فساد تمرکز نموده‌اند.

۳-۲-۲-۱ مطالعات داخلی در مورد حکمرانی خوب

جدول (۵): مطالعات داخلی در مورد حکمرانی خوب

ردیف	محقق	سال	یافته
۱	کمیجانی و سلاطین [۱۱]	۱۳۸۷	میزان تأثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای عضو اوپک بیشتر است و شاخص ثبات سیاسی در گروه کشورهای عضو اوپک و شاخص کنترل فساد در گروه کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی دارای بیشترین تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشند.
۲	متفکر آزاد و همکاران [۱۳]	۱۳۹۲	در مورد ۷۴ کشور تأثیر مثبت نحوه حکمرانی بر تولید ناخالص داخلی را تأیید نمودند.
۳	محمد زاده و همکاران [۱۲]	۱۳۹۵	این تحقیق تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی را بررسی نموده است. آن‌ها بیش از ۵۰ کشور را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج نشان داده که اندازه دولت تأثیر منفی بر روی شاخص حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی دارد. از آنجا که با بزرگ‌تر شدن دولت انواع فساد، رانت جویی، رشوه، سوءاستفاده از اموال عمومی و غیره عموماً در بخش دولتی معنی پیدا می‌کند نه در بخش خصوصی، لذا گسترش بیش از حد دولت در اقتصاد زمینه‌های تضعیف شاخص‌های حکمرانی خوب و نظام صحیح مدیریت را فراهم می‌آورد.
۴	درخشانی و محنت فر [۱۲]	۱۳۹۵	برای ۲۶ کشور منتخب رابطه مثبت و معناداری میان درجه استقلال بانک مرکزی و شاخص حکمرانی خوب یافته‌اند.
۵	رضایی و همکاران [۶]	۱۳۹۸	به تأثیر استقلال بانک مرکزی بر حکمرانی خوب پرداخته‌اند و اثر مثبت متقابل میان این دو متغیر مورد تأیید قرار گرفته است.
۶	ظهیری و همکاران [۸]	۱۴۰۱	تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه پایدار می‌پردازد. مطالعه آنان معطوف به کشورهای عضو اوپک پلاس بوده و نتیجه این تحقیق نشان داده است که شاخص حاکمیت قانون و شاخص توسعه انسانی (به عنوان نماینده حکمرانی اجتماعی) دارای اثر مثبت بر شاخص توسعه پایدار بوده، همچنین شاخص ثبات اقتصاد کلان (به عنوان نماینده حکمرانی اقتصادی) دارای اثر منفی بر این شاخص بوده است و در نهایت میان ابعاد مختلف حکمرانی، حکمرانی اجتماعی دارای بیشترین تأثیر بوده است.
۷	مطهری نژاد و نصرالهی [۱۴]	۱۴۰۱a	در مطالعه خود برای ایران به این نتیجه رسیدند در کوتاه مدت هم حاکمیت قانون بر حجم نقدینگی مؤثر است و هم حجم نقدینگی بر حاکمیت قانون، لیکن در بلند مدت، تنها این حجم نقدینگی است که تأثیر منفی بر حاکمیت قانون داشته است.
۸	مطهری نژاد و نصرالهی [۱۵]	۱۴۰۱b	در کشورهای صادر کننده نفت رابطه منفی میان حاکمیت قانون و نقدینگی وجود دارد.

ماخذ: مروری بر مطالعات انجام شده داخلی

جدول (۶): مطالعات خارجی در مورد حکمرانی خوب

ردیف	محقق	سال	یافته
۱	مایور ^۱ (۱۹۹۵) [۳۸] کلاگیو ^۲ (۱۹۹۷) [۲۶] آلسینا ^۳ (۱۹۹۸) [۱۸]، لاپورتو ^۴ و همکاران (۱۹۹۸) [۳۴] کناک کیفر ^۵ (۲۰۰۳) [۳۳] کناک ^۶ (۲۰۰۳) [۳۲] فنگ ^۷ (۲۰۰۳) [۲۷]	۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳	در تحقیقات خود بر تأثیر مثبت شاخص های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی صحنه نهاده اند.
۲	چانگ و گرادستین ^۸ [۲۵]	۲۰۰۴	در مورد ۱۲۱ کشور، به این نتیجه رسیده اند که ارتقای شاخص های حکمرانی خوب نابرابری درآمدی را کاهش می دهد. همین طور بالا رفتن سطح حاکمیت قانون و کنترل فساد، به توسعه اقتصادی و توسعه انسانی کمک می کند.
۳	لی و فیلر ^۹ [۳۲]	۲۰۰۷	سطح پایین تر حاکمیت قانون موجب می شود سرمایه گذاران، سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بر سرمایه گذاری مالی خارجی اولویت دهند.
۴	تویی و تای ^{۱۰} [۴۷]	۲۰۲۱	در کشورهای توسعه یافته با سطح حکمرانی بهتر، کسری بودجه موجب کاهش تورم شده و در کشورهای در حال توسعه که کیفیت حکمرانی پایین تر است تورم زاست.
۵	بودیهارجو و همکاران ^{۱۱} [۲۳]	۲۰۲۵	به بررسی تأثیر اصول حکمرانی خوب، کنترل های داخلی مؤثر و شایستگی نیروی انسانی بر عملکرد مالی دولت محلی در شهر بگامی اندونزی می پردازد. این تحقیق تأکید دارد که سه عامل کلیدی فوق باید بهبود یابند تا عملکرد مالی دولت های محلی بهتر شود و مدیریت بودجه به شکل بهینه تر انجام گیرد.

ماخذ: مروری بر مطالعات انجام شده خارجی.

¹ Mauro, P

² Clague, C

¹ Alesina, A

² La porto, R

³ Knack, S. and Keefer

⁴ Knack, S

⁵ Feng, Y

⁶ Chong, A. and Gradstein M

⁷ Li, shaomin, Filer, Larry

⁸ Thuy Tien Ho, Van Bon Nguyen & Thi Bao Ngoc Nguyen

⁹ Budiharjo Roy, Pratomo Dudi, Wahjoe Hapsari Dini

۴-روش شناسی تحقیق و اندازه گیری متغیرها

برای برآورد از مدل از روش خود رگرسیون برداری ساختاری^۱ (SVAR) و مدل AB برای اعمال قیود استفاده شده است. با توجه به آنکه در این روش نتایج با اعمال قیود و در نظر گرفتن ارتباطات ساختاری بین متغیرها بدست می آید و می توان به تحلیل تابع واکنش آنی و تجزیه واریانس خطای پیش بینی پرداخت این ویژگیها باعث ارجحیت این روش برای انجام این تحقیق می شود.^۲

۴-۱ معرفی مدل و متغیرها

برای بررسی رابطه حکمرانی خوب و حق الضرب از مدلی استفاده می گردد که آيسان و ويگا^۳ (۲۰۰۵) [۲۱] در صندوق بين المللی پول از آن استفاده کرده اند. مطالعه آنها اثر بی ثباتی سیاسی را بر حق الضرب بررسی نموده اما در اینجا به اثر حکمرانی خوب پرداخته ایم.

متغیر وابسته: حق الضرب $S_{i,t}$

متغیر مستقل: حکمرانی خوب $Gg_{i,t-1}$ که بر اساس تعریف بانک جهانی بر اساس شش مؤلفه اندازه گیری می شود. بر اساس مبانی نظری انتظار داریم رابطه منفی بین حق الضرب و بهبود حکمرانی خوب وجود داشته باشد. مقادیر این متغیر از میانگین وزنی مقادیر شاخص های شش گانه برحسب پرسشنامه ای که بین خبرگان توزیع نموده ایم، محاسبه شده است.^۴

متغیرهای کنترلی: بردار متغیرهای ساختار اقتصادی Eco_{it}

-ارزش افزوده بخش کشاورزی (نرخ رشد): به علت معافیت های مالیاتی بخش کشاورزی رشد آن ظرفیت مالیاتی دولت را بطور متناسب افزایش نمی دهد و می تواند باعث اتکای بیشتر دولت به حق الضرب گردد.

-تولید ناخالص سرانه واقعی: کشورهای ثروتمند سیستم مالیاتی قوی تری دارند و انتظار می رود که نیاز کمتری به استفاده از حق الضرب داشته باشند در نتیجه ضریب این متغیر منفی پیش بینی می شود.

-درآمدهای نفتی (نرخ رشد): با توجه به نقش و اهمیت بالای درآمدهای نفتی در رفتارهای اقتصادی دولت به ویژه استفاده از حق الضرب این متغیر با افزایش خود نیاز دولت به استفاده از حق الضرب را کاهش می دهد.

بردار متغیرهای عملکرد اقتصادی و تکانه های خارجی ECp_{it}

-درصد تغییر در تجارت: رشد قابل توجه تجارت منجر به درآمد مالیاتی بیشتر خواهد شد و انتظار ضریب منفی برای این تغییر وجود دارد.

-نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه: بدیهی است با نرخ رشد درآمد بالاتر، درآمد مالیاتی بیشتری نیز نصیب دولت گردد و ضریب این متغیر منفی پیش بینی می گردد.

-سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی: هر چه سهم مخارج دولت بیشتر شود نیاز او به تأمین مالی آن نیز بیشتر می گردد که یکی از روش های مرسوم برای تأمین مالی نیز استفاده از حق الضرب است. بنابراین انتظار داریم رابطه میان این دو متغیر مثبت باشد.

با توجه به توضحات فوق، مدل مورد استفاده در این تحقیق، به صورت زیر خواهد بود:

$$S_{i,t} = \alpha Gg_{i,t-1} + \beta_1 Eco_{it} + \beta_2 ECp_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

۵-اعمال قیود و تصریح مدل

جهت برآورد پارامترهای فرم ساختاری لازم است تعدادی قید بر روابط بین پسماندهای مدل خلاصه شده (u_i) و جملات اخلاص سیستم معادلات ساختاری (ε_i) وضع شود تا فرم ساختاری قابل شناسایی گردد. همان طور که بیان شد در حالت مدل AB، ارتباط بین u_i و ε_i به صورت $Au_i = B\varepsilon_i$ است؛ بنابراین لازم است برای تصریح شکل ساختاری محدودیت هایی بر ضرایب ماتریس A و B وارد کرد تا پارامترهای مدل ساختاری برآورد گردیده و شوک های ساختاری استخراج شوند. این محدودیت ها باید از ملاحظات نظری و واقعیت های موجود اقتصاد سرچشمه بگیرند. با توجه به این که در این مطالعه از مدل AB برای قید گذاری استفاده می شود، شکل ماتریسی مدل اول SVAR به شکل زیر است:

^۱Structural Vector autoregressive model

^۲برای اطلاعات بیشتر در مورد این روش به (Amisano & Giannini (1997 مراجعه کنید.

^۳Aisen & Jese Veiga (2005)

^۴داده های حکمرانی خوب به صورت سالانه تولید می شود با توجه به محدودیت مشاهدات برای افزایش درجه آزادی، داده ها فصلی شده است. از آنجا که ماهیت متغیر انباشت می باشد و متغیر همبسته دیگری که دارای داده های فصلی باشد وجود ندارد برای این کار از روش های ریاضی استفاده شده است برای آگاهی بیشتر به صمدی و همکاران، ۱۳۹۰ مراجعه شود.

$$\begin{bmatrix} 1 & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ a_{21} & 1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ a_{31} & a_{32} & 1 & 0 & 0 & 0 \\ a_{41} & a_{42} & 0 & 1 & 0 & 0 \\ a_{51} & a_{52} & a_{53} & 0 & 1 & a_{56} \\ a_{61} & a_{62} & a_{63} & a_{64} & a_{65} & 1 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} u_{goil} \\ u_{gg} \\ u_s \\ u_{tot} \\ u_{gag} \\ u_G \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \varepsilon^{goil} \\ \varepsilon^{gg} \\ \varepsilon^s \\ \varepsilon^{tot} \\ \varepsilon^{gag} \\ \varepsilon^G \end{bmatrix} \begin{bmatrix} b_{11} & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & b_{22} & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & b_{33} & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & b_{44} & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 0 & b_{55} & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 0 & 0 & b_{66} \end{bmatrix}$$

شکل (۳): شکل ماتریسی مدل اول SVAR

ظرفیت مالیات ستانی کاهش یافته و توجه با حق‌الضرب بیشتر می‌شود در نتیجه انتظار آن است که این ضریب مثبت باشد. البته با توجه به آنکه درآمدهای مالیاتی با تأخیر و در دوره بعد تحقق می‌یابند مقدار آن در ماتریس صفر در نظر گرفته می‌شود. a_{36} نشان‌دهنده اثر شوک‌های کوتاه‌مدت رشد اقتصادی بر حق‌الضرب است. بالا رفتن رشد اقتصادی یعنی امکان کسب درآمدهای مالیاتی بیشتر برای دولت، که نیاز او را برای اتکا به حق‌الضرب کاهش می‌دهد. در تحقیقات مختلف از جمله آیسان و ویگا (۲۰۰۵) [۲۱] رابطه مثبت رشد و درآمدهای مالیاتی تأیید شده است اما باید توجه داشت که درآمدهای مالیاتی در دوره بعد محقق می‌شود لذا و البته انتظار می‌رود در بلندمدت مقدار آن منفی باشد اما چون اثر هم‌زمان ندارد در کوتاه‌مدت مقدار این ضریب صفر در نظر گرفته می‌شود. معادله چهارم نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای الگو بر رابطه مبادله است. معادله پنجم نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای الگو بر رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی است. معادله ششم نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای الگو بر رشد اقتصادی است.

۶- بررسی نتایج تجربی

ابتدا به بررسی آزمون ریشه واحد در متغیرها پرداخته شده تا از عدم وجود رگرسیون کاذب اطمینان حاصل گردد. بعد از آن تعداد وقفه بهینه در مدل تعیین شده است. در ادامه نتایج تخمین مدل SVAR بعد از وارد کردن قیدها ارائه شده و بعد از آن با استفاده از تابع واکنش آنی، واکنش هر یک از متغیرها نسبت به شوک‌های ساختاری بررسی گردیده است؛ و در نهایت با استفاده از تجزیه واریانس سهم شوک‌های متغیرهای درون‌زا به‌ویژه حکمرانی خوب در نوسانات حق‌الضرب مشخص می‌گردد.

۱-۶ بررسی پایداری متغیرها

هیلبرگ و همکاران (۱۹۹۲) [۲۷] نشان دادند که استفاده از آزمون‌های ایستایی متداول نظیر دیکی فولر یا فیلیپس پرون برای فرآیندهای چند متغیره با متغیرهایی با تواتر ماهانه و یا فصلی ممکن است به خطا در بررسی وجود ریشه واحد منجر شود. آن‌ها جهت رفع این مشکل به معرفی آزمونی پرداختند که به آزمون ریشه واحد هگی معروف شد. در این آزمون، فرضیه وجود ریشه واحد با تواترهای مختلف بررسی می‌شود. در داده‌های فصلی می‌توان به بررسی ریشه واحد معمولی (در تواتر صفر)، ریشه واحد شش‌ماهه و ریشه واحد فصلی پرداخت. همچنین، این آزمون جایگزینی برای فصلی‌زدایی از طریق فیلتر کردن داده‌های فصلی است؛ زیرا آنچه در سری‌های زمانی با تواتر

در مدل بالا بردار $u_t' = (u_t^s, u_t^{gg}, u_t^G, u_t^{ft}, u_t^{Ags}, u_t^{Oils})$ شامل اجزاء اخلال فرم خلاصه‌شده و بردار $\varepsilon_t' = (\varepsilon_t^s, \varepsilon_t^{gg}, \varepsilon_t^G, \varepsilon_t^{ft}, \varepsilon_t^{Ags}, \varepsilon_t^{Oils})$ شامل جملات اخلال مدل ساختاری است که به ترتیب نشان‌دهنده شوک حق‌الضرب، شوک حکمرانی خوب، شوک رشد اقتصادی، شوک درجه باز بودن اقتصاد، شوک سهم بخش کشاورزی و شوک درآمدهای نفتی می‌باشند. سطر اول ماتریس شامل شوک‌های متغیرهای الگو بر نرخ رشد بخش نفت است. معادله دوم نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای الگو بر حکمرانی خوب است. معادله سوم نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای الگو بر حق‌الضرب است در این معادله:

a_{31} ضریب اثر شوک‌های رشد درآمدهای نفتی را بر حق‌الضرب نشان می‌دهد. انتظار می‌رود با توجه به اتکای بودجه دولت به نفت با افزایش سهم نفت در تولید ناخالص داخلی استفاده از حق‌الضرب نیز کاهش یابد. می‌دانیم درآمدهای نفتی معمولاً در فصول بعد محقق می‌شوند اما از آنجاکه درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده و در بودجه دولت لحاظ شده است و دولت بر اساس آن اقدام به هزینه می‌کند این ضریب منفی در نظر گرفته می‌شود.

a_{32} ضریب شوک حکمرانی خوب بر حق‌الضرب است و انتظار می‌رود علامت آن منفی باشد. از آنجاکه بهبود عوامل تعیین‌کننده حکمرانی خوب موجب عملکرد ساختاری بهتر دولت، در اجرای بودجه و در نتیجه اتکای کمتر او بر استفاده از حق‌الضرب می‌شود. حکمرانی خوب هم در سمت درآمدهای دولت موجب بهبود عملکرد می‌گردد و هم در سمت هزینه‌ها، زیرا توان و ظرفیت کسب مالیات‌ها را افزایش می‌دهد و هم با بالا رفتن کارایی در هزینه‌ها جلوی افزایش هزینه‌ها را می‌گیرد. چنانکه مایلز و یوسفی (۲۰۱۴) [۳۷] اشاره کرده‌اند بر اساس یافته‌های تجربی برای ۸۶ کشور و مدل‌سازی‌های مختلف به این نتیجه رسیدند که دولت‌ها انگیزه دارند برای جبران اثرات فساد از حق‌الضرب سوءاستفاده نمایند. a_{34} نشان‌دهنده اثر شوک‌های کوتاه‌مدت رابطه مبادله بر حق‌الضرب است. با افزایش درجه باز بودن اقتصاد ظرفیت مالیاتی افزایش و اتکای دولت به حق‌الضرب کاهش می‌یابد. پس انتظار می‌رود این ضریب منفی باشد. البته با توجه به آنکه درآمدهای مالیاتی با تأخیر و در دوره بعد تحقق می‌یابند مقدار آن برای کوتاه‌مدت در ماتریس صفر در نظر گرفته می‌شود. a_{35} نشان‌دهنده اثر شوک‌های رشد بخش کشاورزی بر حق‌الضرب است. با افزایش سهم کشاورزی

¹ Myles & Yousefi

فرضیه‌ها به‌اشتباه تأیید نمی‌شوند اندرس [۱]. با کاربرد آزمون هگی مشخص می‌شود که داده‌ها در کدام تواتر ریشه واحد دارند و مطابق آن تفاضل مرتبه اول، دوم یا چهارم گرفته می‌شود.

فصلی رایج است این است که داده‌ها را با استفاده از فیلترهای مختلف فصلی زدایی می‌کنند و داده‌های تعدیل‌شده را در مدل‌ها به کار می‌برند؛ اما اقتصاددانان در حوزه اقتصادسنجی کلان اعتقاد دارند که با این کار اطلاعات مفیدی را از دست خواهند داد و احتمالاً بعضی از

جدول (۷): نتایج آزمون ریشه واحد فصلی هگی

نام متغیر	ریشه واحد معمولی (سالانه)	ریشه واحد شش ماه	ریشه واحد فصلی	نتیجه
حق الضرب	-4/216 (0/017)*	-3/643 (۰/۰۵۴)	17/957 (0/000)	ریشه واحد ندارد
شاخص ترکیبی حکمرانی خوب	-5/13 (۰/006)	-7/73 (۰/006)	65/32 (0/000)	ریشه واحد ندارد
نرخ رشد سهم بخش نفت	-3/774 (۰/032)	-5/744 (۰/006)	28/816 (0/000)	ریشه واحد ندارد
نرخ رشد سهم بخش کشاورزی	-3/11 (0/007)	-2/36 (0/025)	12/63 (0/000)	ریشه واحد ندارد
رابطه مبادله	-1/268 (0/042)	-8/447 (0/006)	65/923 (0/000)	ریشه واحد ندارد
نرخ رشد اقتصادی	-4/459 (۰/006)	-2/304 (0/172)	5/471 (0/090)	ریشه واحد شش ماهه دارد

* سطح معنی‌داری با ۱۰۰۰ بار شبیه‌سازی مونت کارلو می‌باشد.

منبع: محاسبه محققین

چنانکه در جدول (۷) ملاحظه می‌شود به‌جز نرخ رشد که ریشه واحد شش‌ماهه دارد و قابل‌اغماض است، در مورد مابقی متغیرها مشکلی در زمینه پایایی وجود ندارد.

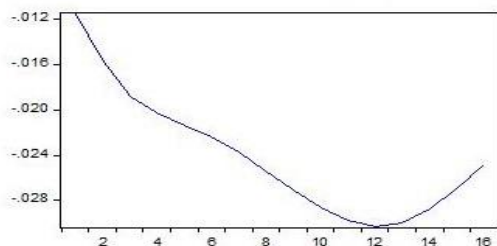
۲-۶ انتخاب طول وقفه بهینه

قدم اول در تخمین مدل‌های VAR انتخاب طول وقفه بهینه است بدین منظور از معیار حنان کوئین^۱ (HQ)، معیار شوارتز-بیزین (SCB) و معیار حداکثر درست‌نمایی (LR) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که طول وقفه بهینه سه می‌باشد. در این وقفه، مدل باثبات بوده و ریشه‌های مشخصه‌ی ضرایب متغیرها خارج از دایره واحد است. همچنین، نتایج آزمون تشخیصی بیانگر این است که فروض کلاسیک مهم - همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی - در اجزای باقیمانده مدل‌ها برقرار است.

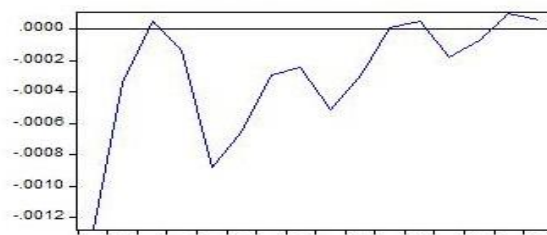
-نتایج توابع واکنش آنی متغیرهای مدل نسبت به شوک‌های حکمرانی خوب

به‌منظور بررسی روابط پویایی متغیرها در کوتاه‌مدت از ابزار تابع واکنش آنی استفاده قرار می‌شود. توابع عکس‌العمل آنی زیر مسیر پویایی را در پاسخ به یک شوک حکمرانی خوب در هر یک از متغیرهای سیستم به‌اندازه یک انحراف معیار مشخص می‌کنند.

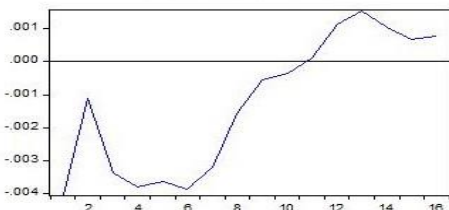
^۱ Hannam-Quinn Criterion (HQ)



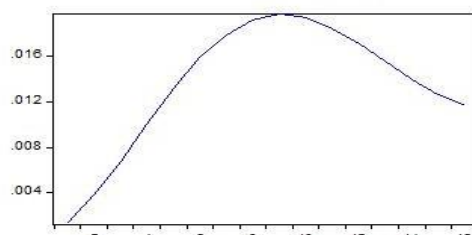
شکل (۶): اثر شوک حکمرانی خوب بر روی رابطه مبادله



شکل (۴): اثر شوک حکمرانی خوب بر روی حق‌الضرب



شکل (۷): اثر شوک حکمرانی خوب بر روی رشد بخش کشاورزی
منبع: محاسبات تحقیق



شکل (۵): اثر شوک حکمرانی خوب بر روی خودش

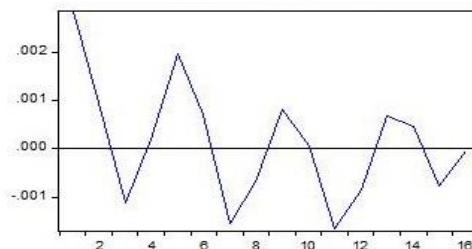
رابطه مبادله منفی است و تا حدود سه سال شدت می‌یابد و سپس کاهشی می‌گردد می‌توان علت را در آن جست که با بهبود حکمرانی خوب توجه به کالاهای وارداتی و گران‌تر، بیشتر شده و رابطه مبادله کاهش یافته است.

مطابق شکل (۷) اثر شوک حکمرانی خوب بر رشد بخش کشاورزی نیز منفی است که تا پایان سال چهارم اثر آن باقی‌مانده است. حکمرانی بهتر موجب توجه بیشتر به بخش‌های صنعتی و غیر کشاورزی می‌گردد و رشد کشاورزی را کندتر می‌کند. شکل (۸) اثر شوک حکمرانی خوب را روی رشد اقتصادی نشان می‌دهد. در دوره‌های اول اثر شوک مثبت است اما پس از آن نوسانی می‌گردد. با توجه به عوامل متعدد تعیین‌کننده رشد و متفاوت بودن اثر حکمرانی خوب بر آنها شاهد یک فرآیند نوسانی در بازتاب شوک حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی هستیم.

۳-۶ تجزیه واریانس

چنانکه در جدول (۸) مشاهده می‌شود عمده نوسانات متغیر حق‌الضرب توسط خود متغیر حق‌الضرب توضیح داده می‌شود و از ۹۳/۵ درصد در فصل اول به ۶۶/۳۳ در فصل شانزدهم کاهش یافته است. تغییرات حق‌الضرب در فصل اول، بعد از خود حق‌الضرب با ۹۳/۵ درصد، توسط رشد بخش نفت ۶/۱۵ درصد توضیح داده شده است. در این فصل حکمرانی خوب ۰/۳۴ درصد تغییرات را توضیح داده و این مقدار در فصل دهم به ۰/۴۳ درصد افزایش یافته است. هرچند ممکن است این مقدار از

توضیح دهنده‌گی قابل‌توجه نباشد اما باثبات و ماندگار است. در فصل سوم رشد اقتصادی ۸/۸ درصد تغییرات حق‌الضرب را توضیح می‌دهد که این مقدار در فصل چهارم به ۱۵/۲۴ درصد رسیده و در فصل



شکل (۸): اثر شوک حکمرانی خوب بر روی رشد اقتصادی

در شکل‌های (۴) تا (۷)، تأثیر یک شوک مثبت به‌اندازه یک انحراف معیار متغیر حکمرانی خوب بر سایر متغیرهای درون‌زا بر اساس توابع واکنش تکرانه نشان داده شده است، در شکل (۴) ملاحظه می‌شود شوک حکمرانی خوب تأثیر معنادار و منفی بر استفاده دولت از حق‌الضرب دارد.

چنانکه پیش‌ازین نیز اشاره شد حکمرانی خوب بر اساس شش معیار کنترل فساد، کارایی دولت، کیفیت تنظیم‌کنندگی، ثبات سیاسی یا نبود خشونت و تروریسم، حاکمیت قانون، پاسخگویی و حق اظهارنظر محاسبه می‌شود. در مجموع بر اساس معیارهای مختلف محاسبه شده برای حکمرانی خوب انتظار می‌رود رابطه‌ی بین این متغیر و حق‌الضرب به‌صورت معکوس باشد که شکل (۴) نیز مؤید همین موضوع است. چنانکه ملاحظه می‌گردد اثر شوک هرچند کوچک است اما مدت‌زمان زیادی باقی می‌ماند. اگر به شکل (۵) که اثر شوک حکمرانی خوب را بر خودش نشان می‌دهد نیز توجه کنیم، ماهیت نهادی متغیر را روشن می‌سازد، زیرا اثر شوک تا ۹ فصل باقی می‌ماند و این موضوع نیز تأییدکننده ماندگاری آثار اصلاحات نهادی و اثر بلندمدت حکمرانی خوب بر حق‌الضرب است. مطابق شکل (۶) اثر شوک حکمرانی خوب بر

رشد بخش نفت بیشترین تغییرات آن را توضیح داده‌اند. حکمرانی خوب نیز توانسته به صورتی باثبات درصد کوچکی از تغییرات حق‌الضرب را توضیح دهد.

شانزدهم بیشترین مقدار یعنی ۲۷/۱۵ درصد است. این موضوع نشان می‌دهد که اثر متغیر رشد اقتصادی ماندگار و فزاینده است. توضیح دهندگی رشد بخش نفت از ۶/۱۵ درصد در فصل اول به ۴/۲۲ درصد در فصل شانزدهم کاهش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد اثر نفت در تصمیمات دولت برای تأمین مالی تورمی کوتاه‌مدت و کاهش یابنده است. در مجموع بعد از خود متغیر حق‌الضرب، رشد اقتصادی، سپس

جدول (۸): تجزیه واریانس حق‌الضرب

دوره	خطای استاندارد	بخش کشاورزی (رشد)	رابطه مبادله	حق‌الضرب	حکمرانی خوب (با یک وقفه)	بخش نفت (رشد)	رشد اقتصادی
1	0.02	0.00	0.00	93.51	0.34	6.15	0.00
2	0.02	0.00	0.01	92.18	0.34	6.82	0.65
3	0.02	0.15	0.06	84.30	0.31	6.31	8.88
4	0.03	0.53	0.15	78.39	0.27	5.42	15.24
5	0.03	0.64	0.15	78.97	0.37	5.17	14.71
6	0.03	0.70	0.16	78.52	0.42	5.12	15.08
7	0.03	0.78	0.37	73.77	0.41	4.81	19.86
8	0.03	0.80	0.38	71.79	0.40	4.70	21.93
9	0.03	0.79	0.46	72.00	0.42	4.67	21.65
10	0.03	0.85	0.48	71.73	0.43	4.63	21.88
11	0.03	0.99	0.66	69.16	0.42	4.46	24.32
12	0.03	1.05	0.67	68.26	0.41	4.38	25.24
13	0.03	1.04	0.69	68.44	0.41	4.38	25.04
14	0.03	1.08	0.69	68.25	0.40	4.35	25.23
15	0.03	1.18	0.71	66.78	0.40	4.26	26.67
16	0.03	1.20	0.70	66.33	0.39	4.22	27.15

منبع: یافته‌های تحقیق

۷- نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب به مجموعه‌ای از اصول و عملکردها اشاره دارد که باعث می‌شود دولت‌ها به‌طور مؤثر، کارا و عادلانه منابع عمومی را مدیریت و سیاست‌های عمومی را اجرا کنند. این اصول شامل کنترل فساد، کارایی دولت، ثبات سیاسی، کیفیت تنظیم‌کنندگی، حاکمیت قانون، و پاسخگویی و حق اظهارنظر هستند. بر اساس تحلیل‌های انجام شده در این تحقیق مسیر اثر گذاری هر یک از این شاخص‌ها بر حق‌الضرب به صورت زیر خلاصه می‌شود:

- **کنترل فساد:** با کاهش فساد، دولت‌ها می‌توانند سیستم مالیاتی کاراتری ایجاد کنند که منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی می‌شود. فساد کمتر به معنای کاهش فرار مالیاتی و افزایش اعتماد عمومی به سیستم مالیاتی است. فساد اداری و مالی هزینه‌های اضافی را بر اقتصاد تحمیل می‌کند. با کاهش فساد، هزینه‌های معاملات کاهش می‌یابد و منابع به‌صورت بهینه‌تری تخصیص می‌یابند. کاهش فساد منجر به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی می‌شود، زیرا اطمینان بیشتری از حفظ امنیت سرمایه خود دارند. با افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش هزینه‌های غیرضروری، دولت کمتر مجبور به تأمین بودجه از طریق چاپ پول و خلق نقدینگی جدید خواهد بود.

- **کارایی دولت:** افزایش کارایی دولت منجر به بهبود کیفیت خدمات عمومی می‌شود که رضایت شهروندان را افزایش می‌دهد. این رضایت منجر به افزایش تمایل شهروندان به پرداخت مالیات می‌گردد. از سوی دیگر افزایش کارایی دولت موجب کاهش نفوذ سیاسی در تصمیم‌گیری‌های دولتی شده و سیاست‌های عمومی به‌صورت مؤثرتر و عادلانه‌تر اجرا می‌شوند، که این امر نیز بهبود درآمدهای مالیاتی و کاهش وابستگی به حق‌الضرب را به همراه دارد.

دولت کارآمد محیطی فراهم می‌کند که در آن کسب‌وکارها می‌توانند با کمترین موانع اداری و هزینه‌های اضافی فعالیت کنند سیستم مالیاتی بهتری نیز ایجاد می‌کند که منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش نیاز به چاپ پول می‌شود. همین‌طور کارایی بالاتر به معنای کاهش هزینه‌های زائد و بهینه‌سازی هزینه‌های دولت است که نیاز به تأمین مالی از طریق حق‌الضرب را کاهش می‌دهد.

- **ثبات سیاسی:** ثبات سیاسی باعث کاهش هزینه‌های امنیتی و نظامی می‌شود، که این منابع می‌توانند به بخش‌های دیگری اختصاص یابند و منابع بیشتری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی آزاد شود در نتیجه نیاز به چاپ پول برای تأمین مالی این هزینه‌ها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر ثبات سیاسی اعتماد سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی را افزایش می‌دهد که منجر به افزایش فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش درآمدهای

مالیاتی می‌شود و نیاز به تأمین مالی از طریق چاپ پول کاهش می‌یابد.

- **کیفیت تنظیم‌کنندگی:** تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب تنظیم‌کنندگی در نتیجه قوانین و مقررات بهتر، باعث گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود که این امر منابع مالیاتی بیشتری را برای دولت فراهم می‌آورد. با افزایش درآمدهای مالیاتی از بخش خصوصی، نیاز دولت به استفاده از حق‌الضرب برای تأمین مالی کاهش می‌یابد. با بهبود کیفیت تنظیم‌گری، هزینه‌های نظارتی و اداری کاهش می‌یابد و منابع بیشتری برای سایر نیازهای دولتی آزاد می‌شود و نیاز به استفاده از حق‌الضرب کاهش می‌یابد.

- **حاکمیت قانون:** اجرای قوانین به‌صورت عادلانه و مؤثر، باعث بهبود فضای کسب‌وکار می‌شود که این امر منجر به رونق اقتصادی و افزایش درآمدهای مالیاتی می‌گردد. همین‌طور کاهش خشونت و جنگ در جامعه باعث کاهش هزینه‌های دولتی در این زمینه‌ها و افزایش توانایی دولت در کسب درآمدهای مالیاتی می‌شود. و در نتیجه این دو، نیاز به استفاده از حق‌الضرب کاهش می‌یابد.

- **پاسخگویی و حق اظهارنظر:** افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های دولتی و آزادی بیان منجر به افزایش اعتماد عمومی به دولت می‌شود، که این امر درآمدهای مالیاتی را بهبود می‌بخشد. از سوی دیگر با افزایش پاسخگویی دولت و نظارت عمومی، هزینه‌های غیرضروری تحت کنترل قرار می‌گیرند و نیاز به حق‌الضرب کاهش و در نتیجه اینها، نیاز به تأمین مالی از طریق حق‌الضرب کاهش می‌یابد.

پس از تبیین کانالهای ارتباطی بین متغیرهای تحقیق که در این مقاله به آن اشاره شده باید توجه کرد، در مسیر شناسایی رفتار دولت در زمینه استفاده از حق‌الضرب بسیاری از تحقیقات پیشین تمرکز خود را بر روی متغیرهای اقتصادی قرار داده‌اند اما نگاه‌های عمیق‌تر به عوامل تأثیرگذار، محققین را متوجه عوامل نهادی از جمله حکمرانی خوب و شاخص‌های شش‌گانه آن نموده است. با توجه به آنکه شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران متأسفانه منفی بوده و از نوسان قابل‌ملاحظه‌ای هم برخوردار نبوده باین‌وجود، بر اساس یافته‌های این تحقیق، با احتیاط می‌توان گفت رابطه معکوس بین حکمرانی خوب و استفاده از حق‌الضرب مورد تأیید قرار گرفته است.

۷-۱ پیشنهاد سیاستی

اصلاحات نهادی جهت بهبود حکمرانی خوب باید به صورت مستمر و بلندمدت دنبال شود تا اثرات مثبت آن بر متغیرهای کلان اقتصادی تثبیت گردد. با توجه به نوسانات اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی، سیاست‌گذاران باید به دنبال سیاست‌های تلفیقی و هماهنگ در بخش‌های مختلف اقتصادی باشند تا بتوانند اثرات مثبت بهبود حکمرانی را بر رشد اقتصادی تقویت کنند. به جای تمرکز صرف بر نوسانات کوتاه

- مدت، اثرات طولانی مدت و پایدار عوامل مختلف را هنگام طراحی سیاست ها در نظر بگیرند. راهکارهای زیر در همین زمینه پیشنهاد می گردد:
- ۲] درخشانی دارابی، کاوه. محنت فر، یوسف. (۱۳۹۵). مطالعه نظری و تجربی رابطه میان استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب، فصلنامه سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء، سال چهارم، شماره ۱۰.
- ۳] شکری، مصطفی. سعادت مهر، مسعود. ذوالقدر، حمید. (۱۴۰۳). بررسی عوامل اقتصادی موثر بر نرخ تورم در استان لرستان: رهیافت فازی. سیاست گذاری اقتصادی، ۱۷(۳۳)، ۸۵-۱۲۰.
- ۴] تقی نژاد عمران، وحید. علمی، زهرا. رمضان پور، مبین. (۱۴۰۱). تاثیر متغیر سیاسی در رابطه میان حق الضرب و نابرابری درآمدی کشورهای منتخب (D8) و (OECD)، مدل سازی اقتصادی، دوره ۱۶، شماره ۵۸، شهریور ۱۴۰۱، صفحه ۸۵-۱۰۱.
- ۵] جعفری صمیمی، احمد. رشید شمشال، علی. (۱۳۷۶). بررسی اهمیت و عوامل موثر بر مالیات توری در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تهران، شماره ۵۰.
- ۶] رضایی، علی. مظاهری، طهماسب. توسلی، مجید. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تحقق شاخص های حکمرانی خوب در راستای رشد و توسعه اقتصادی ایران. پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۱(۴۱)، ۶۴-۵۳.
- ۷] صمدی، سعید. واعظ، محمد. قاسمی، محمد رضا. (۱۳۹۰). فصلی کردن سری های زمانی (مطالعه موردی درآمدهای نفتی دولت، شاخص قیمت مصرف کننده و نقدینگی). اقتصاد پولی مالی، ۱۸(۲).
- ۸] ظهیری، مناحی. زاینده رودی، محسن. جلالی اسفند آبادی، سیدعبدالمجید. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر ابعاد حکمرانی خوب بر توسعه پایدار کشورهای منتخب (مجموعه کشورهای نفتی اوپک پلاس)، دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست های اقتصادی.
- ۹] عسگری، محمدمهدی. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر مالیه توری: تحلیل نظری. فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۱۳ (۳۶): ۱۰۹-۷۷.
- ۱۰] قدیمی، مریم. ربیعی، مهناز. دوانی، عبدالله شاه آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۹). بررسی اثر کیفیت نهادی (فساد) و عدم سلطه مالی (استقلال بانک مرکزی) بر سیاست بهینه پولی با استفاده از رویکردهای DSGE و STAR. نظریه های کاربردی اقتصاد ۲۴۱-۲۸۰ (۳).
- ۱۱] کمیجانی، اکبر. سلاطین، پروانه. (۱۳۸۷). تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. فصلنامه مدل سازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۶، زمستان ۱۳۸۷، صفحات ۲۴-۱.
- ۱۲] محمدزاده، یوسف. حکمتی، فرید. صمد شریفی، المیرا. (۱۳۹۶). تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب. فصلنامه علمی پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ۷(۲۶)، ۹۷-۱۱۲.
- ۱۳] متفکرآزاد، محمدعلی. احمد اسدزاده، گرشاسبی، سعید. (۱۳۹۲). تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی، جامعه شناسی اقتصادی و توسعه دوره: ۲، شماره: ۱، ۲۳۲۲-۴۳۷۱.
- ۱۴] مطهری نژاد، عباس. نصراللهی، زهرا. (۱۴۰۲). تبیین رابطه غیرخطی بین خلق پول و حاکمیت قانون با رویکرد آستانه ای. (PSTR) پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۳ (۴): ۱۳۲-۱۰۹.
- ۱۵] مطهری نژاد، عباس. نصراللهی، زهرا. (۱۴۰۱). پول و حاکمیت قانون در ایران. مدل سازی اقتصادی، ۹۵-۱۲۳، (۲).
- ۱] اندرس، والتر. (۱۳۸۶) اقتصادسنجی سربهای زمانی با رویکرد کاربردی؛ ترجمه سعید شوال پورو مهدی صادقی شاهدانی، دانشگاه امام صادق (ع).

منابع و مآخذ

- [39] Myles, G. D., Youseffi, H. (2015), **Corruption and Seigniorage**, Journal of Public Economic Theory, Volume 17, Issue 4, Special Issue: Governance and Political Economy, Pages 480-503.
- [40] Mohammed Dhannoon, M., Bashar, A., Al-Iraqi, A. (2021). **The Effect of Corruption on Seigniorage: Applying on a Sample of Oil and Non-Oil countries**, University of Kirkuk Journal For Administrative and Economic Science, Volume 11, Issue 2, Pages 340-367
- [41] Noda, H., Fang, F. (2025): **Public Investment Financed by Seigniorage, Money Supply Control and Inflation Dynamics in Sub-Saharan African Countries**. MPRA Paper No. 125632, posted 13 Aug 2025 11:31 UTC.
- [42] Rodríguez, F. (2025). **The Global Seigniorage Duopoly**, Global Policy: Volume 16, Issue 2, Pages: 319-328
- [43] Romer, D. (2011). **Advanced Macroeconomics**, fourth edition McGraw-Hill.
- [44] Sedarmayanti. (2012), **Good Governance Kepemerintahan yang Baik Bagian Pertama**. Mandar Maju. Bandung.
- [45] Singh, M., Abouelmakarem, M. B. (2024). **Apoorv, Monetary Base and Seigniorage in a Digital Era**.
- [46] Thuy Tien, H., Van Bon, N., Thi Bao, N. N. (2021) **The Different Role of Governance in the Fiscal Deficit – Inflation between Developed and Developing Countries**, Macroeconomics and Finance in Emerging Market Economies, 16(1), 1-15.
- [16] وطن پور، محمد... (۱۳۸۲). بررسی عوامل موثر بر مالیات تورمی در اقتصاد ایران (۱۳۸۰ - ۱۳۴۰). پژوهشنامه اقتصادی، ۳(۱۰)، ۱۵۷-۱۷۶.
- [۱۷] ورشوساز، بهناز. غفاری، فرهاد. حسینی، سید شمس الدین. معمارنژاد، عباس... (۱۳۹۹). اثر گسترش رمز پول ها (بیت کوین) بر تقاضای پول و حق الضرب در قالب رویکرد مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE). فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصاد، ۹(۳۴)، ۱۶۵-۱۹۷.
- [18] Alesina, A. (1998), **The Political Economy of High and Low Growth**, in Annual World Bank conference on Development Economics 1997, Washington DC world Bank.
- [19] Amisano, G., Giannini, C. (1997), **Topics in Structural VAR Econometrics**, Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
- [20] Awad, I. L., (2023). **A Comparative Study of Seigniorage: Egypt and Qatar**, Economic Studies journal, Bulgarian Academy of Sciences - Economic Research Institute, issue 4, pages 172-190.
- [21] Aisen A., Veiga, F.J. (2005), **The Political Economy of Seigniorage**, IMF working paper, Bossone, B. (2021). **Commercial Bank Seigniorage and the Macroeconomy**. International Review of Financial Analysis, 76, 1-15.
- [22] Budiharjo, R., Pratomo, D., Wahjoe, H. D. (2025), **Local Government Financial Performance: Good Governance, the Effectiveness Internal Control and Competence**, JMKSP (Jurnal Manajemen, Kepemimpinan, dan Supervisi Pendidikan) Volume 10 (1) 2025, 125-138.
- [23] Buiter, W. (2007). **Seigniorage**. NBER Working Paper ۱۲۹۱۹.
- [24] Chong, A., Gradstein, M. (2004). **Inequality and Institution**, Research Department Working Paper No. 506, Inter- American Development Bank: New York, NY.
- [25] Clague, C. (1997). **Institutions and Economic Development: Growth and Governance in Less- Developed and post-Socialist countries**, Baltimore and London: The John Hopkins University press.
- [26] Feng, Y. (2003), **Democracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence**, Cambridge: MA, MIT press.
- [27] Friedman, M. (1971). **The Revenue from Inflation**. J. Pol. Econ. ۷۹, ۸۴۶-۸۵۶.
- [28] Hylleberg, S., Engle, R. F., Granger, C. W., Yoo, B. S. (1990), **Seasonal Integration and Cointegration**, Journal of Econometrics, 44(1-2): 215-238.
- [29] Huang, H., Wei. S. J. (2006), **Monetary Policies for Developing Countries: The Role of Institutional Quality**, Journal of International Economics, 2(70): 239-25.
- [30] Huang, G. (2021). **Seigniorage Channel and Monetary Effectiveness in Flexible Price Economy**, MPRA Paper 114532, University Library of Munich, Germany, revised 28 Aug 2022.
- [31] Knack, S. (2003), **Democracy, Governance and Growth**, Ann Arbor: The University of Michigan Press.
- [32] Knack, S., Keefer, P. (2003), **Does social capital Have an Economic Payoff: A cross-country Empirical Investigation**, in Knack, S. (Ed), **Democracy Governance and Growth**, Ann Arbor: The University of Michigan Press.
- [33] La Porto, R., Lopez, de S., f., Shleifer, A., Vishny, R. (1998), **The Quality of Government, Journal of Law, Economics and organization**, 15 (1): 222-279.
- [34] Li, S., Filer, L. (2007). **The Effect of Governance Environment on the Choice of Investment Mode and the Strategic Implications**. Journal of world Business 42(2007), 80-98.
- [35] Lydia, A.A. (2012). **Political and Economic Determinants of Seigniorage in NIGERIA**, Journal of Social Science and Public Policy, Volume 4, pp. 24-34.
- [36] Marty, A., (1967), **Growth and the Welfare Cost of Inflationary Finance**. J. Pol. Econ. 75, 71-76.
- [37] Mauro, P. (1995), **Corruption and Growth**, Quarterly Journal of Economics, Vol. 110 (3): 681-712. s
- [38] Minea, A., Villieu, P. (2009) **Can Inflation Targeting Promote Institutional Quality in Developing Countries?** In The 26th Symposium on Money, Banking and Finance, University of Orléans, 1: 25-26.